

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده الهیات

**پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام
اسلامی**

عنوان

**بررسی و نقد تکفیر غزالی نسبت به فیلسوفان
مسلمان**

استاد راهنما

جناب آقای دکتر علیرضا کهنسال

استاد مشاور

جناب آقای دکتر ذبیح الله فیاض صابری

نگارش

کبرا میرزازاده

سال تحصیلی ۹۱ - ۱۳۹۰



بسمه تعالی

مشخصات رساله/پایان نامه تحصیلی دانشجویان

دانشگاه فردوسی مشهد

عنوان رساله/پایان نامه: بررسی و نقد تکفیر غزالی بر فیلسوفان مسلمان

نام نویسنده: کبرا میرزازاده

نام استاد(ان) راهنما: جناب آقای دکترعلیرضا کهنسال

نام استاد(ان) مشاور: جناب استاد عزیزالله فیاض صابری

دانشکده: الهیات شهید مطهری

گروه: فلسفه و حکمت اسلامی

رشته تحصیلی: فلسفه و کلام اسلامی

تاریخ تصویب: ۱۳۹۰/۳/۱۰

تاریخ دفاع: ۱۳۹۰/۱۱/۳

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد ●

دکتری ○

تعداد صفحات: ۱۴۰

چکیده رساله/پایان نامه

غزالی در بیست مساله بر فلاسفه خرده گرفته است و در سه مساله قدم عالم، علم خدا به جزئیات و معاد، ایشان را تکفیر کرده است. ارزش پرسشهای او و سنگینی اتهام تکفیر، ضرورت پرداختن به این موضوع است. در این پژوهش بیشتر کوشش شده است که مبانی و دلایل فلاسفه و متکلمان بررسی گردد تا منشاء ابهام آشکار گردد. فرضیه محقق در اشکالات غزالی آن است که هر سه پرسش او برخاسته از عدم تأمل در مبانی فیلسوفان است و تکفیر او نیز فاقد محمل شرعی است. اساس رای غزالی در قدم عالم، جواز جدایی قادر مختار از فعل خود است تا به استدلال استوار عدم انفکاک علت تامه از معلول پاسخ گوید که البته کوششی است بی ثمر. در علم باری به جزئیات، کلی به معنای ثابت را در نیافته و آن را به معنای مقابل جزئی به کار برده است و سرانجام رای معاد جسمانی را که انکار معاد نیست به خطا انکار دانسته است. تکفیر او نیز بی وجه است زیرا تکفیر در انکار ضروریات دین جاری است نه مسایل نظری.

کلید واژه:

۱. قدم عالم

۲. علم جدا به جزئیات

۳. معاد جسمانی

۴. معاد روحانی

۵. تکفیر

امضای استاد راهنما:

تاریخ:

تقدیم به روح پدری که با ایثار و گذشت خود برایم الگویی جاودان
گشت تا همواره قدردان زحماتش باشم رومت شاد پدرم.

۹

تقدیم به مادرم که عمری را در تربیت و پرورشم بار سنگینی را به
دوش کشید.

۹

تقدیم به استاد ارجمندی که همچون پدری دلسوز مرا در انجام این
کار یاری داد.

و از استاد ارجمندم آقای فیاض صابری کمال تشکر را دارم.

و از همسر عزیزم که برایم قوت قلبی شد تا انگیزه داشته باشم تا کار نیمه تمام را به پایان برسانم سپاسگزارم.

و از دوستان عزیزم نیز بسیار قدر دانم.

فهرست عناوین

فهرست عناوین.....أ

مقدمه

- ۱-مقدمه.....۲
- ۲-تعریف مسأله و تبیین موضوع.....۲
- ۳-پیشینه تحقیق.....۲
- ۴- ضرورت و اهمیت تحقیق.....۳
- ۵- سؤالات اصلی تحقیق.....۳
- ۶-فرضیه‌ها یا پاسخ‌های احتمالی.....۴
- ۷-روش انجام تحقیق.....۴
- ۸-ساختار و بدنه اصلی تحقیق.....۵
- ۹-محدودیت‌های پژوهش.....۶

فصل اول: حدوث و قدم عالم

- ۱-۱-طرح بحث.....۸
- ۲-۱-معنای حدوث و قدم.....۸
- ۱-۲-۱-اقسام حدوث و قدم.....۹
- ۳-۱- نظر متکلمین در باب حدوث و قدم عالم.....۹
- ۴-۱-نظرفلاسفه در باب حدوث و قدم عالم.....۱۲
- ۵-۱-تفاسیر فلاسفه و متکلمان از اراده.....۱۵
- ۶-۱-تلاش‌های بی ثمر متکلمان برای دفع اشکال‌های حدوث عالم.....۱۷
- ۱-۶-۱-اشکال اول.....۱۷
- ۲-۶-۱-اشکال دوم.....۱۷
- ۳-۶-۱-اشکال سوم.....۱۸

- ۱-۶-۴-پاسخ به اشکالات.....۱۸
- ۱-۷-استدلال های متکلمان بر عدم امکان قدیم بودن جهان.....۱۹
- ۱-۷-۱-استدلال اول.....۱۹
- ۱-۷-۱-۱-پاسخ ابن سینا.....۱۹
- ۲-۷-۱-استدلال دوم.....۲۰
- ۱-۲-۷-۱-پاسخ ابن سینا.....۲۰
- ۳-۷-۱-استدلال سوم.....۲۱
- ۱-۳-۷-۱-پاسخ ابن سینا.....۲۲
- ۸-۱-ابطال حدوث از سوی ابن سینا.....۲۲
- ۹-۱-حدیث و روایات دال بر حدوث عالم.....۲۴
- ۱۰-۱-عقاید و دلایل فلاسفه درباره حدوث ذاتی عالم.....۲۹
- ۱۱-۱-تعریف ابن سینا از زمان.....۳۱
- ۱۲-۱-براهین ابن سینا بر اثبات ازلی بودن جهان.....۳۲
- ۱-۱۲-۱-طریق لمی.....۳۲
- ۲-۱۲-۱-طریق انی.....۳۳
- ۱۳-۱-دیدگاه غزالی در قدم عالم.....۳۳
- ۱۴-۱-بیان مهمترین ادله قدم عالم فلاسفه از سوی غزالی.....۳۵
- ۱-۱۴-۱-دلیل اول فلاسفه.....۳۵
- ۱-۱۴-۱-اعتراض به دلیل اول بر قدم عالم.....۳۶
- ۲-۱۴-۱-دلیل دوم فلاسفه.....۳۷
- ۱-۲-۱۴-۱-تقدم به ذات.....۳۷
- ۲-۲-۱۴-۱-تقدم به زمان.....۳۷
- ۳-۲-۱۴-۱-اشکال اول غزالی بر دلیل دوم در مورد قدم زمانی.....۳۸
- ۴-۲-۱۴-۱-اشکال دوم غزالی بر دلیل دوم در مورد قدم زمانی.....۳۸
- ۳-۱۴-۲-دلیل سوم فلاسفه.....۳۸
- ۴-۱۴-۲-دلیل چهارم فلاسفه.....۳۹
- ۱۵-۲-پاسخ به اشکالات غزالی.....۴۰
- ۱۶-۲-سخن پایانی.....۴۳

فصل دوم: علم خداوند به جزئیات

۴۶	۱-۲- طرح بحث
۴۷	۲-۲- تعریف علم
۴۹	۳-۲- تقسیمات علم
۵۱	۴-۲- بررسی نظریه صور مرتسم ابن سینا
۵۳	۵-۲- بررسی نظر متکلمان بر چگونگی علم خداوند به جزئیات
۵۴	۶-۲- دلایل متکلمان بر عدم علم خدا به جزئیات
۵۴	۱-۶-۲- تحول دائمی جزئیات
۵۵	۲-۶-۲- ابزاری بودن علم به جزئیات
۵۵	۷-۲- استدلال فلاسفه بر عدم علم خداوند به جزئیات متغیر
۵۵	۱-۷-۲- استدلال اول
۵۷	۲-۷-۲- استدلال دوم
۵۷	۳-۷-۲- استدلال سوم
۵۸	۸-۲- بیان نظر ابن سینا بر چگونگی علم خداوند به جزئیات
۶۱	۹-۲- بیان اشکال غزالی در مسأله علم خداوند بر فلاسفه
۶۲	۱-۹-۲- اشکال اول
۶۳	۲-۹-۲- اشکال دوم
۶۳	۱۰-۲- پاسخ به اشکالات غزالی
۶۴	۱۱-۲- سخن پایانی

فصل سوم: معاد جسمانی

۶۸	۱-۳- طرح بحث
۶۹	۲-۳- بیان دیدگاه در مورد مسأله معاد
۶۹	۱-۲-۳- معاد جسمانی
۷۱	۱-۱-۲-۳- اعاده معدوم
۷۳	۲-۱-۲-۳- نظریه اجزای اصلیه
۷۴	۱-۲-۱-۲-۳- پاسخ ملاصدرا به شبهه مذکور
۷۵	۳-۱-۲-۳- نقد نظریه اجزای اصلیه
۷۸	۲-۲-۳- معاد روحانی و جسمانی
۸۰	۳-۲-۳- معاد روحانی

۸۱	۳-۲-۴-مقدمات اثبات معاد از سوی ابن سینا.....
۸۱	۳-۲-۴-۱-اصل اول.....
۸۲	۳-۲-۴-۲-اصل دوم.....
۸۲	۳-۲-۴-۳-اصل سوم.....
۸۳	۳-۲-۴-۴-اصل چهارم.....
۸۳	۳-۲-۴-۵-اصل پنجم.....
۸۴	۴-۲-۴-۶-نتیجه این مقدمات.....
۸۶	۳-۳-دلایل مشایبان.....
۸۶	۳-۳-۱-دلیل اول.....
۸۶	۳-۳-۲-دلیل دوم.....
۸۶	۳-۳-۳-رد دلیل اول.....
۸۷	۳-۳-۴-رد دلیل دوم.....
۸۸	۳-۴-چاره جویی فارابی و ابن سینا.....
۸۹	۳-۵-اشکالات ملاصدرا بر سخن فارابی و ابن سینا.....
۸۹	۳-۵-۱-اشکال اول.....
۸۹	۳-۵-۲-اشکال دوم.....
۸۹	۳-۵-۳-اشکال سوم.....
۹۰	۳-۵-۴-اشکال چهارم.....
۹۰	۳-۵-۵-پاسخ به اعتراضات ملاصدرا.....
۹۱	۳-۶-علت گرایش ابن سینا به معاد روحانی.....
۹۲	۳-۷-بیان شیخ الرئیس در کتاب شفا و نجات.....
۹۳	۳-۸-انتقادات بر نظریه معاد روحانی.....
۹۳	۳-۹-بیان اشکال غزالی بر فلاسفه در مسأله معاد جسمانی.....
۹۶	۳-۹-۱-اعتراض غزالی به اشکالات فرض سوم.....
۹۶	۳-۱۰-پاسخ به اشکالات غزالی.....
۹۸	۳-۱۱-در پایان.....

فصل چهارم: تکفیر

۱۰۳	۴-۱-طرح بحث.....
۱۰۳	۵-۲-در بیان اسلام و کفر.....

- ۱۰۵.....انواع کفر.....۳-۵
- ۱۰۶.....بیان روایات در این زمینه.....۴-۵
- ۱۱۰.....نتیجه گیری.....۵-۵
- ۱۱۸.....منابع و مأخذ.....



۱- مقدمه

۲- تعریف مسأله و تبیین موضوع

اندیشه‌های متفکران بزرگ گاهی منشاء تحولات بزرگ در اجتماع می‌شود و حال آن‌که در زمان خود آن‌ها شاید هیچ کس نمی‌پذیرفت که آن اندیشه‌ها آن اندازه قوی باشد که بتواند منشاء تحولات عظیم قرار بگیرد، این اندیشه‌ها گاهی در قلمرو سیاست یا اخلاق و زمانی در ساحت دین و فلسفه ابراز می‌گردد و می‌تواند نظام فکری موجود و حاکم بر اجتماعی را از بیخ و بن براندازد، از تاثیرات بارز این اندیشه‌ها این است که سبب می‌شود از افراط و تفریط حاکم بر طرز تفکر گروه‌های سیاسی، فلسفی و یا دینی کاسته شود. تا قبل از آن‌که مردم از اندیشه‌های غزالی آگاهی یابند اندیشه‌های ارسطو و ابن‌سینا حاکمیت داشت، اما با آگاهی از افکار غزالی تا حدود زیادی اندیشه‌های فلسفی ارسطو و ابن‌سینا به ویژه در غرب جهان اسلام زیر سوال رفت و از درجه اعتبار ساقط شد. در نتیجه به سبب نداشتن فهم صحیح، فلسفه ابن‌سینا و فیلسوفان مسلمان، تا حدودی بی‌اعتبار گشت و در حق این فیلسوفان جفا شد. با آن‌که بارها در باب آن مباحث پژوهش شده است اما هنوز هم پرداختن به آن‌ها نشاط فلسفی خود را از دست نداده است.

۳- پیشینه تحقیق

اگرچه در این زمینه کتاب‌ها و مقالات متعدد نوشته شده ولی هیچ تحقیق و تألیفی در زمینه‌ی موضوع این رساله که عبارت است از بررسی و نقد تکفیر غزالی بر فیلسوفان مسلمان، صورت نپذیرفته است. بنابراین، موضوع این پژوهش از دو جهت کاملاً نو و ابتکاری است، یکی از جهت نظم و بررسی منطقی مطلب و دیگری از جهت جامعیت، این پژوهش جوابگوی پرسش‌های اساسی است. خود غزالی در کتاب‌های مقاصد الفلاسفه، تهافت الفلاسفه، الاقتصادی الاعتقاد، فیصل التفرقه بین الاسلام والزندقه، المتقدمین الضلال، به این موضوع اشاره کرده است. و همچنین ابن‌رشد در رد نظریه غزالی و دفاع از فلاسفه، کتاب تهافت التهافت، را تألیف نموده، شهرستانی

مصارع الفلاسفه را در رد فلاسفه نگاشته و در جواب ایشان خواهی، کتاب مصارع المصارع را به رشته تحریر درآورده است.

از کتاب‌هایی که در عصر معاصر به این موضوع پرداخته‌اند می‌توان به کتاب آقای آشتیانی در نقد کتاب تهافت الفلاسفه غزالی اشاره نمود. علی اصغر حلبی هم کتاب تهافت الفلاسفه غزالی را به فارسی ترجمه کرده است. و به چند مقاله که هر کدام بطور جداگانه تنها در یک مساله گردآوری شده است اشاره نمود از جمله: رضا برنجکار مقاله «بررسی نظریه محال بودن کفر مومن»، و سیدحسن گلپایگانی مقاله «نقد و بررسی آراء متکلمان درباره شبهه آکل و ماکول»، علی تقوی مقاله «قدیم» و جهانبخش جهانی مقاله «علم خداوند در حکمت مشاء» علی زمانی قمشه‌ای مقاله «چالش فلسفی غزالی و ابن رشد و نقش آنها در شکوفایی حکمت و کلام اسلامی» و محمد رضا مصطفی پورمقاله «تحلیل و بررسی علم خدا به جزئیات از منظر ابن سینا» و... می‌توان اشاره کرد.

۴- ضرورت تحقیق و هدف

شخصیت غزالی در میان اهل سنت بسیار مهم است و تکفیر هم سنگین‌ترین نسبتی است که می‌تواند به شخص داده شود، از سوی دیگر خود غزالی علاوه بر این که فقیه بود، بسیار باهوش بوده است، تکفیر او نسبت به فیلسوفان این سوال جدی را ایجاد می‌کند که آیا به راستی فهم غزالی از سخنان آنها صحیح بوده است و به فرض هم که فهم او صحیح بوده باشد، آیا می‌تواند آنها را تکفیر کند و اساساً ملاک تکفیر چیست؟ به همین جهت مساله هم از جهت فلسفی و هم از جهت دینی اهمیت دارد.

۵- سوالات اساسی تحقیق

۱) آیا از نظر فلاسفه مشاء عالم قدیم زمانی است و آیا این امر انکار ضروری دین است؟

۲) آیا فلاسفه مشاء خداوند را عالم به جزئیات می‌دانند و آیا نحوه تبیین علم خدا از سوی فلاسفه انکار ضروری دین است؟

۳) آیا فلاسفه مشاء معاد جسمانی را انکار می‌کنند و آیا این امر مخالف ضروری شریعت است؟

۴) ملاک و شرایط تکفیر چیست؟

۶- فرضیه‌ها یا پاسخ‌های احتمالی تحقیق

- ۱) از نظر فلاسفه مشاء عالم قدیم زمانی است و این امر به منزله انکار ضروری دین نیست.
- ۲) فلاسفه مشاء خدا را عالم به جزئیات و کلیات می‌دانند و غزالی به سبب درک نکردن مقصود آنان این عقیده را منافی شرع دانسته است.
- ۳) نمی‌توان این ادعا را به فلاسفه نسبت داد. اما در یکی از پاسخ‌های خود راه عقل را برای اثبات آن مسدود می‌دانند در عین حال به معاد جسمانی اقرار دارند.
- ۴) ملاک تکفیرانکار صریح و عالمانه یکی از ضروریات دین است. در مسایل نظری تکفیر صحیح نیست.

۷- روش انجام تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش به شیوه‌ی تحلیلی و عقلی بوده و شیوه‌ی گردآوری مطالب نیز کتابخانه‌ایو در حد لزوم استفاده از اینترنت می‌باشد که در این مسیر نخست استدلال‌های طرفین دعوی را گردآوری کرده و سپس به نقد آنها می‌پردازیم.

۸- ساختار و بدنه اصلی تحقیق

پژوهش کنونی در مقدمه و چهار فصل تنظیم شده است. در ابتدا مقدمه ذکر شده است و در ادامه تا

فصل چهارم شیوه عمومی چنین بوده است که ابتدا مساله تحریر شود و آنگاه به آرای متکلمان و فلاسفه در آن باب پرداخته شود. غرض آن بوده است که خواننده به جای پاسخ مستقیم به غزالی با منشاء افکار خطای او و متکلمانی مانند او آشنا گردد. این آشنایی سبب درک ماهیت اشکالها و پاسخها خواهد بود. این کار ما را از تفصیل در پاسخ به ایرادات او بی نیاز کرده است. در انتها نیز اشکالات غزالی و پاسخ به آنها ذکر شده است. فصول به ترتیب، به مسایل قدم عالم، علم خدا به جزئیات و معاد جسمانی پرداخته‌اند و در هر فصل بی اساس بودن دعاوی غزالی اثبات گردیده است. فصل چهارم در باب تکفیر است و در آن فصل بیان خواهد شد که اقدام غزالی در تکفیر فلاسفه اساس شرعی نداشته است.

۹- محدودیت های پژوهش

محدودیت اصلی این تحقیق دقت مباحث و دشواری درک آنهاست. کثرت پژوهشها در این باب از دشواری مطالب نکاسته است.

گسترده‌گی دشواری دیگر این موضوع است. شاید آنچه در این رساله با این حجم گنجانده شده است تنها گویای بخشی از مطالب باشد.

نکته پایانی این که در روند پژوهش، در برخی موارد اگر به جزئیات و تفصیلات نمی پرداختم، بعید نبود به کلی گویی متهم شوم و اگر می پرداختم، ممکن بود خواننده در پیچ و خم جزئیات، سررشته مطالب را از دست بدهد، بهترین راه چاره این بود که میانه روی رعایت شود. از این رو بیشتر تاکید بر مبانی بوده است تا پرداختن به تمامی سخنان غزالی؛ زیرا بعد از درک مبانی، سره از ناسره تمیز می یابد و سخنان دیگر نیز بر اساس همان مبانی است.

این پژوهش نیز همچون آثار دیگر، عاری از عیب و نقص نیست. هیچ پژوهشگری نمی تواند و نه از او انتظار است که در مسیر تحقیق عقاید و قضاوت هایش معصوم از خطا باشد. تمام امید آرزوی

اهل تحقیق این است که بتوانند بین حقایق و واقعیت‌های مسلم، ارتباط معتبر علمی برقرار کنند.
امید است که پژوهش کنونی در این مهم کامیاب بوده باشد.

فصل اول

حوت و نغم عالم

۱-۱- طرح بحث

بحث در باب حدوث و قدم از مهمترین مباحث میان فلاسفه و متکلمان مسلمان است که در ابتدای ظهور اسلام خیلی مهم به نظر نمی‌رسید؛ اما از وقتی که مسلمانان به مسائل فلسفی رو آورده و با اصطلاحات فلسفی آشنا شدند و حقایق شرعیه را با مصطلحات آمیختند، مساله حدوث و قدم عالم، چهره دیگری به خود گرفت و محل چالش و تضارب آراء واقع شد. قبل از پرداختن به بحث اصلی ابتدا، معنایی از لفظ حدوث و قدم بیان می‌کنیم.

۱-۲- معنای حدوث و قدم

برای حدوث و قدم دو معنا می‌توان ارائه داد. یک معنای عرفی و دیگری معنای فلسفی. حادث و قدیم در عرف دو چیزی است که یکی زمانش بیش از دیگری است.

فلاسفه و متکلمان معنای فلسفی را با تحلیل و تجرید عقلی و معنای وسیع‌تر آن از عرف اتخاذ کرده‌اند. مقصود آنان از قدیم این است که شیء مسبوق به عدم نیست در مقابل پدیده‌ای که مسبوق به عدم است که آن حادث خواهد بود و عدم اعم از زمانی و غیرزمانی است. پس هر چیزی که مسبوق به عدم باشد حادث است و پدیده‌ای که مسبوق به عدم نباشد قدیم است.

۱-۲-۱- اقسام حدوث و قدم

۱) **قدیم ذاتی:** به موجودی گفته می‌شود که در هستی، نیازمند به غیر نباشد و آن مسبوق نبودن شیء به عدم در حد ذاتش است. در حقیقت قدیم بالذات خداوند متعال است. «یا اقدم من کل قدیم»^۱

۱. ایچی، میرسید شریف، شرح المواقف، ج ۴، ص ۳؛ تفتازانی، سعدالدین، شرح المقاصد، ج ۲، ص ۷؛ محقق سبزواری، شرح الاسماء الحسنی، ص ۱۳؛ طباطبایی، محمدحسین، نه‌ایه الحکمه، ص ۲۳۱.

۲) **حادث ذاتی**: به پدیده و موجودی گفته می‌شود که در وجود و هستی خویش نیازمند به غیر باشد و وجودش به عدم در ذاتش مسبوق می‌باشد. مانند همه ممکنات و پدیده‌های نظام هستی.^۱

۳) **قدیم زمانی**: پدیده‌ای را گویند که زمان بر وجود او سبقت نگرفته باشد و هر زمانی را که فرض کنیم آن قدیم موجود بوده است. مانند، عقول و نفوس مجردة. و مطلق زمان که قدیم است.^۲

۴) **حادث زمانی**: موجودی که زمان عدم آن بر زمان وجودش سبقت داشته باشد. مثل همه موجودات مادی. و مثل مسبوق بودن «امروز» به عدم در «دیروز».^۳

۱-۳- نظر متکلمین در باب حدوث و قدم عالم

یکی از مسائلی که از قدیم الایام مورد اختلاف فلاسفه و متکلمین بوده است حدوث و یا قدم زمانی عالم است. معمولاً از طرف متکلمین بر حدوث زمانی استدلال می‌شود. متکلمین مدعی هستند که «قدیم» منحصر است به ذات واجب، غیر ذات واجب هر چه هست حادث زمانی است؛ و مدعی هستند که «قدیم» مساوی وجوب است و حدوث مساوی امکان، یعنی یک موجود بدان جهت نیازمند به علت و فاعل است که حادث است و اگر حادث نباشد بی‌نیاز از علت است، یعنی واجب الوجود است.

متکلمین علاوه بر این، ادعای اجماع و اتفاق می‌کنند از همه ادیان و مذاهب بر حدوث زمانی عالم، و مدعی هستند که عقیده به قدم زمانی عالم بر خلاف همه ادیان است.

۱. حقانی زنجانی، حسین، شرح بدایه الحکمه علامه طباطبایی، صص ۴۱۴-۴۱۵.

۲. شیرازی، صدرالمتألهین، الحکمه المتعالیه، ج ۳، ص ۲۴۵؛ تفتازانی، سعدالدین، شرح المقاصد، ج ۲، ص ۷؛ ایچی، میرسیدشریف، التعریفات، ص ۷۴.

۳. خلیلی، مصطفی، اندیشه های کلامی علامه طباطبایی، ص ۱۲۸.

در واقع متکلمان، قول به ازلیت و دوام عالم را نمی‌پذیرند و گمان می‌برند که دوام فیض الهی با اختیار او منافات دارد و باعث می‌شود که خداوند فاعل موجب شود، فعل به عنوان روندی ضروری و اضطراری مطرح شود و اساساً فعلی ایجاد نشود؛ چراکه شرط فعل بودن در نظر آنها سبق عدم بر فعل است و نیز دوام فیض بی‌نیازی عالم به آفریننده و فاعل هستی بخش را اثبات می‌کند، ضمن آن‌که اعتقاد به ازلی بودن عالم، سبب می‌شود تا علت و معلول در یک ردیف قرار بگیرند و از نظر آنان، فعل ازلی هم ردیف فاعل و در عرض آن است و اصولاً هیچ گاه در عدم به سر نبرده تا در «بوجود آمدن» به چیزی محتاج شود.^۱

با توجه به استحکام ادله طرفین، بعضی توقف را اختیار کردند، چنان‌که امام فخر رازی اعلام داشته که آیات قرآنی، تنها بر حدوث عالم دلالت دارد، نه بر حدوث زمانی و هیچ کدام از ضرورت حدوث یا قدم عالم را نمی‌توان از آیات و روایات اسلامی به دست آورد.^۲

حکیم لاهیجی نیز معتقد است که احادیث معصومین به هیچ کدام از دو وجه تصریحی ندارد و اجماعی که متکلمان بر حدوث زمانی عالم ادعا کرده‌اند، قابل اثبات نیست و دلایل عقلی آنها هم ضعیف است، به خصوص اگر در ارتباط با شریعت مشکل رفع شود، باز هم مشکل عقلی هم‌چنان باقی است.^۳

شیخ صدوق در کتاب *ارزشمند التوحید*، بابی را به حدوث عالم اختصاص داده و در مقام استدلال برآمده‌اند، یکی از براهین ایشان این است: «حادث چیزی است که بعد از عدم موجود شود و قدیم موجودی است همیشگی و ازلی».

مردی از امام رضا(ع) پرسید چه دلیلی بر حدوث عالم وجود دارد؟ امام فرمود: تو نبودی و هست شدی و وجود پیدا کردی و تو می‌دانی که شخص خودت و امثال تو هیچ گونه‌تکون و

۱. غزالی، ابو حامد، *تهافت الفلاسفه*، ترجمه علی اصغر حلبی، ص ۱۳۹.

۲. رک: رازی، فخرالدین، *المطالب العالیه*، مقدمه رابعه (حدوث عالم)، ج ۴، ص ۲۹.

۳. لاهیجی، ملا عبدالرزاق، *گوهر مراد*، تصحیح و تعلیقه زین العابدین قربانی لاهیجی، ص ۲۳۹.